

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 12, Winter 2020-2021, 137-159
Doi: 10.30465/crts.2020.27165.1610

A Critique of *Sociology of Gender with an Islamic Approach* as a Textbook

Somayye Hajiesmaeili*

Reza Habibi**

Abstract

A textbook has a central role in the education system, and it is one of the most important tools for learning in all levels of education. One of the important ways to improve textbook is to critique and evaluate them. “*Sociology of Gender with an Islamic Approach*”, written by Hossein Bostan, has been prepared for master’s degree and PhD students in women’s studies and sociology in university and seminary. The author’s scientific rank, the novelty of book’s subject and its educational approach make it worthy of criticism. This descriptive-analytical article seeks to answer the question of what the advantages and disadvantages of this book as a textbook are. Research findings indicate that this book, despite having significant advantages like scientific strength, innovation, content validity and fluent writing, suffers from serious problems in methodology, content, structure and organization of courses, and it is far from good standard.

Keywords: Critique of Textbook; Sociology of Gender; Islamic Approach; Textbook Structure; the Content of the Textbook.

* Researcher of Women and Family Research Center, Ph.D Student in Women’s Studies (Corresponding Author), esmaeili@wrc.ir

** PhD in Philosophy of Education, Head of Textbooks Composing Office in Jamia AL-Zahra, Associate Professor and Research Secretary of the Basis of Thought Department in Humanities Institute, reza_35_mahdi@yahoo.com

Date received: 2020-08-03, Date of acceptance: 2021-01-16

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیستم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۹۹، ۱۳۹-۱۵۹

نقدی بر جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی به‌مثابه یک کتاب درسی

سمیه حاجی‌اسماعیلی*

رضا حبیبی**

چکیده

کتاب درسی در نظام آموزش و پرورش جایگاه محوری دارد و یکی از مهم‌ترین ابزارهای یادگیری در کلیه سطوح تحصیلی به‌شمار می‌رود. یکی از راه‌کارهای مهم ارتقای کتاب‌های درسی نقد و ارزیابی دقیق و کارشناسانه آن‌هاست. کتاب جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی، اثر حسین بستان، به‌عنوان متن درسی، برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز طلاب سطح سه در رشته‌های مطالعات زنان و جامعه‌شناسی تدوین شده است. منزلت علمی نویسنده از یک‌سو، بدیع‌بودن موضوع کتاب از سوی دیگر، و رویکرد آموزشی داشتن کتاب از سوی سوم این کتاب را شایسته نقد و بررسی قرار داده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که مزایا و کاستی‌های این کتاب به‌عنوان یک کتاب درسی چیست و تا چه حد شاخصه‌های کتاب درسی در این کتاب رعایت شده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اثر موردنظر هرچند به‌لحاظ قوت علمی، نوآوری، اتقان محتوایی، و نگارش ساده و روان شایسته تقدیر است، از جهت صوری، روش‌شناختی، و سازمان‌دهی ساختار و محتوای دروس براساس معیارهای تدوین متون درسی مبتلا به اشکالات جدی است و فاصله زیادی با استانداردهای مطلوب دارد.

* پژوهش‌گر مقیم مرکز تحقیقات زن و خانواده، دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)، esmaeili@wrc.ir

** دانشیار و دبیر پژوهش گروه مبانی اندیشه، مؤسسه علوم انسانی، مسئول دفتر تألیف متون درسی جامعه‌الزهره، reza_35_mahdi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

کلیدواژه‌ها: نقد کتاب درسی، جامعه‌شناسی جنسیت، رویکرد اسلامی، ساختار کتاب درسی، محتوای کتاب درسی.

۱. مقدمه

کتاب درسی در نظام آموزش از اهمیت و جایگاه محوری برخوردار است و اگر در تألیف و تهیه این رسانه آموزشی مهم به ویژگی‌ها و استانداردهای کیفی و اصول حاکم بر آن توجه شود، می‌تواند زمینه‌ساز و هموارکننده پیشرفت و بالندگی جامعه باشد. اگرچه یادگیری در کلاس درس به عوامل مهمی نظیر استاد، فراگیران، و رسانه‌ها از جمله کتب درسی بستگی دارد، نقش این عوامل در کلاس درس یکسان نیست، بلکه از نظر برخی محققان مرجعیت با کتب درسی است (نوریان ۱۳۹۳: ۱). کتاب درسی متنی است سازمان‌یافته که اهداف آموزشی را در قالب نوشتار، تصاویر، و تکالیف عرضه کرده و پیونددهنده اهداف آموزش و پرورش با کلاس درس است. یکی از روش‌هایی که می‌تواند در انطباق و هماهنگی کتاب درسی با استانداردهای لازم و ارتقای کیفیت آن‌ها مؤثر واقع شود نقد و ارزیابی آن‌هاست. در قرن‌های اخیر، نقد کتاب درسی از کارهای رایجی است که در کشورهای پیشرفته انجام می‌شود (آصف‌زاده ۱۳۸۴: ۱۹۶). آثاری از این قبیل، علاوه بر این که می‌توانند به مؤلفان و تدوین‌کنندگان کتاب درسی در رفع کاستی‌ها و ارتقای آثار آن‌ها یاری رسانند، در اثربخشی آموزشی بر فراگیران نیز نقش تعیین‌کننده دارند.

در این مقاله کتاب *جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی*، تألیف حسین بستان، که به عنوان کتاب درسی در زمینه جامعه‌شناسی جنسیت نگاشته شده است، برای ارزیابی انتخاب شده است. جامعه‌شناسی جنسیت شاخه‌ای از رشته جامعه‌شناسی است که به بررسی چرایی و چگونگی شکل‌گیری تمایزها و نابرابری‌های اجتماعی میان دو جنس زن و مرد می‌پردازد. شکل‌گیری این دانش به دهه‌های پایانی قرن بیستم بازمی‌گردد و تا حد زیادی وام‌دار کوشش‌های گسترده نظری و تجربی فمینیست‌های موج دوم بوده است. هدف فمینیست‌ها از ایجاد این دانش به چالش کشیدن استیلای مردان به عنوان عامل اصلی نابرابری زنان در جامعه است (آبوت و والاس ۱۳۸۰: ۳۰). در همین راستا، فمینیست‌ها با تفکیک تفاوت‌هایی که زیست‌شناسی آن‌ها را اثبات می‌کند (جنس) و تفاوت‌هایی که برساخته فرهنگی - اجتماعی (جنسیت) هستند، نقش‌ها و صفات زنانه را ساختگی تلقی می‌کنند (مشیرزاده ۱۳۸۱: ۳۱۲) و با استفاده از این تفکیک تمایزها و نابرابری‌های اجتماعی زنان را تبیین می‌کنند.

در حوزه نقد متون جامعه‌شناسی جنسیت، برخی مقالات نوشته شده‌اند که از جمله می‌توان به مقاله جعفرپور درمورد معرفی و نقد کتاب جامعه‌شناسی جنسیت (تألیف سفیری و ایمانیان) (۱۳۸۸)، و مقاله احمدنیا در نقد کتاب جنسیت، جامعه، و جامعه‌شناسی (تألیف گروسی) (۱۳۹۶)، و همچنین مقاله شادمانی درمورد معرفی و نقد کتاب جامعه‌شناسی جنسیت (نوشته گرت) (۱۳۸۹) اشاره کرد، اما در زمینه نقد کتاب جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی مقاله‌ای یافت نشد. کتاب یادشده، به‌عنوان منبع درسی، برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و نیز طلاب سطح سه در رشته‌های مطالعات زنان، جامعه‌شناسی، و دیگر رشته‌های مرتبط تدوین شده است. نوشتار پیش‌رو درصدد تطبیق‌دادن این کتاب با شاخصه‌های کتاب درسی است. بنابراین، سؤال اصلی این پژوهش این است که کاستی‌ها و مزایای این کتاب چیست و تا چه حدی منطبق بر معیارها و استانداردهای کتاب درسی است. برای پاسخ به این سؤال، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ابتدا گزارشی توصیفی از محتوای کتاب ارائه خواهد شد و در گام بعدی منابع مرتبط با موضوع کتاب معرفی می‌شود. سپس در ادامه، محاسن و کاستی‌های کتاب از لحاظ صوری و محتوایی بیان می‌شود. در تبیین کاستی‌ها، تک‌تک اجزای کتاب (عنوان، ساختار، و مقدمه مؤلف) و موردبه‌مورد اجزای هر درس اعم از محتوای دروس، اهداف، پیش‌سازمان‌ده‌ها، ساختار دروس، خلاصه، فعالیت‌های تکمیلی، و منابعی برای مطالعه بیشتر موردتوجه قرار خواهد گرفت.

۲. معرفی کتاب جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی

حسین بستان یکی از برجسته‌ترین صاحب‌نظران و پژوهش‌گران حوزه زن و خانواده است و از وی آثار و کتاب‌های متعددی در این زمینه منتشر شده است. از جمله مهم‌ترین آثار این پژوهش‌گر در زمینه مطالعات زنان می‌توان به کتاب *خانواده در اسلام* (۱۳۹۰)، *نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم* (۱۳۸۲)، *اسلام و تفاوت‌های جنسیتی* (۱۳۸۸)، و *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی* (۱۳۹۰) اشاره کرد. کتاب جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی یکی از مهم‌ترین آثار این پژوهش‌گر است. این کتاب در قطع وزیری با جلد شومیز در ۲۴۰ صفحه نگارش یافته است و در سال ۱۳۹۴ از طرف گروه علوم اجتماعی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهیه شده و به‌صورت مشترک با همکاری حوزه علمی خاوران منتشر شده است و به‌عنوان کتاب درسی برای دانشجویان مقطع کارشناسی

ارشد و دکترا و نیز طلاب سطح سه در رشته‌های مطالعات زنان، جامعه‌شناسی، و دیگر رشته‌های مرتبط در نظر گرفته شده است. کتاب یادشده در میان دیگر آثار نویسنده از اهمیت چشم‌گیری برخوردار است. هدف نویسنده در این کتاب نشان‌دادن ظرفیت متون دینی اسلام برای ارائه تبیین‌های علی و کارکردی متفاوت و منطبق بر آموزه‌های اسلامی در حوزه جامعه‌شناسی جنسیت است و تحلیل موضوعات و مسائل مختلف جامعه‌شناسی جنسیت مبتنی بر این الگو صورت گرفته است.

این کتاب مشتمل بر سیزده فصل است. فصل اول مروری بر مهم‌ترین نظریه‌های جامعه‌شناسی جنسیت است. در این فصل نویسنده، با توجه به جایگاه مهم نظریه‌ها در مباحث جامعه‌شناسی جنسیت، به بیان مهم‌ترین نظریه‌ها در این زمینه پرداخته است. در فصل دوم، با عنوان مبانی پارادایمی جامعه‌شناسی جنسیت، دو رویکرد مهم و عمده محافظه‌کارانه و انتقادی در تبیین مباحث جنسیتی را معرفی کرده و به مقایسه رویکرد اسلام با این دو رویکرد پرداخته است. در فصل سوم، موضوع جامعه‌پذیری جنسیتی مطرح شده است. نویسنده در این فصل به بیان نظریه‌های توصیفی و هنجاری جامعه‌پذیری جنسیتی پرداخته است و در پایان فصل نیز، ذیل نظریه‌های هنجاری جامعه‌پذیری جنسیتی، دیدگاه اسلام در این زمینه را تبیین کرده است. فصل چهارم این کتاب به ارزش‌های جنسی اختصاص داده شده است. نویسنده در این فصل به تبیین ابعاد ارزش‌های جنسی مهمی مانند عفت، غیرت، تفکیک جنسی، و حجاب پرداخته و در مورد علت وجود تفاوت ارزش‌های زنانه و مردانه تبیین‌هایی را ارائه داده است و به تبیین اسلام در مورد این تفاوت‌ها نیز اشاره کرده است. فصل‌های دیگر کتاب نیز هر کدام به یکی از نهادهای اجتماعی اختصاص داده شده است و تمایزهای جنسیتی در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در فصل پنجم، نهاد ازدواج بررسی شده و تمایزهای جنسیتی در موضوعاتی مانند تجردگزینی، سن ازدواج، فاصله سنی همسران، پیش‌نهاد ازدواج، آزادی در انتخاب همسر، مهریه، و چندهمسری مورد بحث قرار گرفته‌اند. فصول ششم و هفتم نیز به نهاد خانواده اختصاص داده شده‌اند و مباحث مربوط به ساختار و کارکرد خانواده مطرح شده است. در فصل هشتم نیز نهاد دین مورد بررسی قرار گرفته است و نویسنده تمایزهای جنسیتی‌ای را که در دین وجود دارد در ابعادی مانند باورها، اسوه‌ها، تجربه‌های عرفانی، شعائر و مناسک، رهبری، و تبلیغ دینی مورد بررسی قرار داده است. نهاد آموزش و پرورش نیز در فصل نهم مورد بررسی قرار گرفته است. در این فصل، پس از اشاره‌ای گذرا به رویکرد هنجاری اسلام به آموزش زنان، تفاوت‌های جنسیتی در این نهاد در سه محور فرصت پیشرفت علمی،

محتوای آموزش، و ساختار مراکز آموزشی تبیین شده است. در فصل دهم، تحت عنوان نهاد اقتصاد، نویسنده تفاوت‌های جنسیتی در دو مسئله مهم در نهاد اقتصاد، یعنی اشتغال و دارایی، را بررسی کرده است. نهاد سیاست نیز در فصل یازدهم مورد بحث قرار گرفته است. نویسنده در این فصل به تبیین تفاوت‌های جنسیتی که در زمینه مشارکت سیاسی وجود دارد پرداخته است. در فصل دوازدهم این کتاب نیز نهاد قانون مورد بحث قرار گرفته است و نویسنده در این فصل به بررسی تمایزهای جنسیتی در محورهایی مانند سن بلوغ قانونی، بزه‌کاری زنان، خشونت علیه زنان، تجاوز جنسی، رویه‌های نظام کیفری، و دیه زن پرداخته است و در نهایت در فصل سیزدهم نویسنده به بررسی پنج نهاد سلامت، فراغت، تفریح، جنگ، و ارتباطات رسانه‌ای پرداخته است و تمایزهای جنسیتی در این نهادها را مورد بحث قرار داده و به تبیین آن‌ها پرداخته است.

۳. نقد و تحلیل خاستگاه اثر

اگرچه انگیزه آغازین تدوین کتاب جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی تأمین منبع درسی مورد استفاده در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور بوده، این انگیزه در راستای دست‌یابی به هدفی وسیع‌تر و جامع‌تر یعنی تحقق اندیشه دینی یا علوم انسانی اسلامی تعریف شده است که این هدف یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و علایق پژوهشی نویسنده کتاب به‌شمار می‌رود و به‌صورت کلان پروژه «روش بهره‌گیری از متون دینی در علوم اجتماعی» در آثار نویسنده قابل مشاهده است. و نویسنده در دیگر آثار خود نیز تلاش کرده است این الگو را مبنا و محور مباحث خود قرار دهد. در این کتاب نیز، نویسنده فصلی را به بررسی مبانی پارادایمی جامعه‌شناسی جنسیت اختصاص داده است و به تفصیل به مبانی معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی، و ارزش‌شناختی اسلام پرداخته است و مسائل مختلف در سراسر کتاب را مبتنی بر این مبانی تحلیل کرده است.

در زمینه جامعه‌شناسی جنسیت، به زبان فارسی کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد. اولین کتاب جامعه‌شناسی زنان (۱۹۹۱) نام دارد که نوشته ابوت و والاس است و نجم عراقی آن را به فارسی ترجمه کرده است. کتاب دیگر با عنوان جامعه‌شناسی جنسیت (۱۳۷۹)، تألیف گرت، ترجمه بقایی است. سومین کتاب نیز با عنوان جامعه‌شناسی جنسیت (۱۳۸۸) نوشته سفیری و ایمانیان است. آخرین کتاب نیز با عنوان جنسیت، جامعه، و جامعه‌شناسی (۱۳۹۵) را گروسی به‌رشته تحریر درآورده است.

در کتاب‌های نام‌برده، دیدگاه‌ها و نظریات مختلف در مورد جنسیت بررسی شده است و نقش جنسیت در نهادهای اجتماعی مانند اشتغال، آموزش، سیاست، و جرم بررسی شده است و نویسندگان غالباً در موضوعات مختلف تحلیل‌های فمینیستی ارائه داده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت کتاب‌های ذکر شده مبانی و پیش‌فرض‌های غیربومی و غربی دارد و تحلیل‌های آن‌ها آمیخته با مواضع ارزشی نظریه‌پردازان است که از اساس بر پایه‌های غیردینی شکل گرفته است. بنابراین، آنچه این کتاب را از سایر کتاب‌های موجود در این زمینه متمایز می‌کند مبتنی بودن مباحث کتاب بر مبانی و پیش‌فرض‌های دینی و تلاش نویسنده برای تبیین مسائل و موضوعات اجتماعی براساس مبانی و اندیشه‌های دینی و بومی است. علاوه بر این، اثر حاضر طیف وسیعی از موضوعاتی مطرح کرده است که در حوزه جامعه‌شناسی جنسیت وجود دارد و به صورت کامل و مستوفی از ابعاد مختلف به تبیین و تحلیل این موضوعات پرداخته است که حاکی از تسلط و احاطه علمی نویسنده به فضای مباحث این حوزه است. همچنین، پرداختن به نهادهایی هم‌چون فراغت و تفریح، ورزش، و جنگ نیز، که از مباحثی است که اخیراً در حوزه جامعه‌شناسی جنسیت مطرح شده، از مزایای دیگر این کتاب است که توانسته است مخاطب را با جدیدترین موضوعاتی آشنا کند که در این دانش مورد بحث واقع می‌شود.

۴. ارزیابی کتاب جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی

کتاب جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی، به لحاظ نوشتاری، از قلمی روان و رسا برخوردار است. کتاب از لحاظ ویرایشی و اغلاط تایپی مشکل چندانی ندارد. تصویر روی جلد کتاب متناسب با موضوع کتاب انتخاب شده است و فهرست مطالب کتاب نیز به خوبی تنظیم شده است. علاوه بر این، کتاب از اسلوب کتاب درسی برخوردار است و دارای اهداف، پیش‌سازمان‌ده، خلاصه و فعالیت‌های تکمیلی است که این کتاب را از سایر کتب هم‌موضوع متمایز می‌کند. با در نظر گرفتن این مطلب که این کتاب به شیوه کتاب درسی نوشته شده است، در این بخش از نوشتار به ارزیابی کتاب به عنوان یک کتاب درسی می‌پردازیم و جزء به جزء اجزای کتاب و اجزای دروس آن را به عنوان کتاب درسی مورد نقادی قرار می‌دهیم. گفتنی است ارزیابی کتاب براساس کتاب‌ها و منابعی صورت خواهد گرفت که در مورد ویژگی‌ها و خصوصیات کتاب استاندارد درسی نوشته شده است. بنابراین در این بخش از نوشتار، کتاب براساس اجزای استاندارد کتاب درسی مورد ارزیابی خواهد گرفت و در بخش ساختار و محتوای دروس نیز به معیارهای محتوایی این کتاب پرداخته خواهد شد.

۱.۴ ارزیابی عنوان کتاب

عنوان این کتاب جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی است. این عنوان یک عنوان حقیقی است که حاکی از ماهیت واقعی خود این اثر است و از این جهت مزیت این عنوان محسوب می‌شود. به لحاظ صوری نیز، این عنوان واضح و روشن است و طولانی نیست و به لحاظ محتوایی بیان‌گر محتوای کتاب است؛ زیرا در این کتاب به مهم‌ترین مباحث جامعه‌شناسی جنسیت پرداخته شده است و رویکرد اسلام در مورد آن موضوعات تبیین شده است.

۲.۴ ارزیابی ساختار کتاب

در یک کتاب درسی، ساختار کتاب و درس‌ها بایستی در فهرست مطالب کتاب و در یک درس یا بخشی از یک درس با عنوان نظام مسائل کتاب منعکس شود. علاوه بر این، در مرحله شناخت، ساختار کتاب در فهرست مطالب باید تفصیلی باشد و دلیل ترتب و چینش عناوین نیز مشخص باشد و علت ترتب مباحث و عناوین باید توضیح داده شود. ساختار فصول این کتاب از جهت ویژگی نخست در برخی از فصول متناسب با مرحله شناخت نیست. در فصل اول، دوم، سوم، ششم، و دهم عناوین اصلی هر فصل ذکر شده و ذیل عناوین اصلی نیز عناوین فرعی مربوط به آن بحث نیز بیان شده است. اما در برخی دیگر از فصول مانند فصل چهارم، پنجم، هشتم، نهم، و دوازدهم نویسنده فقط به ذکر عناوین اصلی اکتفا کرده است و عناوین فرعی را ذیل عناوین اصلی ذکر نکرده است. در فصل یازدهم، نویسنده به بیان حداقلی عناوین فرعی که ذیل عناوین اصلی مطرح می‌شوند، اکتفا کرده است و در فصل آخر، تحت عنوان «نهادهای دیگر»، نویسنده فقط عناوین فرعی ذیل عنوان اصلی سلامت را ذکر کرده و در بقیه موارد به ذکر عناوین اصلی «فراغت و تفریح»، «ورزش»، «ارتباط رسانه‌ای»، و «جنگ» بسنده کرده است. نویسنده در مورد علت چینش عناوین و انتخاب چنین ساختاری هیچ توضیحی را ارائه نداده است و درسی را برای توضیح و تحلیل نسبت عناوین با یکدیگر اختصاص نداده است.

۳.۴ ارزیابی مقدمه مؤلف

مقدمه مؤلف در این کتاب تحت عنوان پیش‌گفتار آمده است. اساساً مقدمه کتاب باید در دو بخش تنظیم شود و بخشی از آن ناظر به اساتید و بخشی دیگر ناظر به فراگیران باشد. در

بخشی که ناظر به اساتید نوشته می‌شود، نویسنده باید علاوه بر اثبات ضرورت و جایگاه کتاب به شیوه تدریس این کتاب نیز اشاره کند. در این مقدمه، نویسنده ضمن اشاره به تاریخ تکوین جامعه‌شناسی جنسیت توضیح مختصری در مورد این رشته و جایگاه آن در علوم اجتماعی بیان کرده است و با انتقاد از کتاب‌هایی که در این زمینه نگاشته شده و بیان کاستی‌ها و نقاط ضعف آن‌ها تلاش کرده است، نقطه تمایز این کتاب را با سایر آثار موجود در این زمینه نشان دهد، اما در زمینه شیوه مناسب برای تدریس این کتاب هیچ راه‌کاری را ارائه نداده است. ضمن این‌که هیچ بخشی از این مقدمه ناظر به فراگیران این کتاب نوشته نشده است و نویسنده در مورد روش مواجهه فراگیران با کتاب راه‌برد و پیش‌نهادی را ارائه نکرده است.

۴.۴ ارزیابی اجزای درس

ارزیابی اجزای درس را در پنج بخش عنوان درس، اهداف، پیش‌سازمان‌ده، ساختار و محتوای درس، خلاصه و فعالیت‌های تکمیلی دنبال می‌کنیم.

۱.۴.۴ ارزیابی عنوان درس

عناوینی که برای درس این کتاب انتخاب شده عناوین مناسبی است. عناوین «مروری بر نظریه‌های جامعه‌شناسی جنسیت»، «مبانی پارادایمی جامعه‌شناسی جنسیت»، «جامعه‌پذیری جنسیتی»، «ارزش‌های جنسی»، «ازدواج»، «ساختار خانواده»، «کارکردهای خانواده»، «دین»، «آموزش و پرورش»، «اقتصاد»، «سیاست»، و «قانون» عناوینی حقیقی هستند که به لحاظ صوری واضح و روشن هستند و در آن‌ها کوتاهی و اختصار رعایت شده است و بیان‌گر محتوای مطالبی هستند که در درس ارائه شده‌اند، اما در دروسی که بحث نهادها مطرح شده است، نویسنده صرفاً عنوان همان نهاد خاص را برای درس انتخاب کرده است و به عناوین «دین»، «اقتصاد»، «سیاست»، «آموزش و پرورش»، و «قانون» اکتفا کرده است، در حالی که این عناوین بسیار کلی هستند و به صورت دقیق به محتوای مطالب درس اشاره ندارد. در درس مربوط به این عناوین، به ارتباط جنسیت با این نهادها پرداخته شده است و نابرابری‌هایی که در این نهادها بین زنان و مردان وجود دارد بررسی شده است. به نظر می‌رسد اگر عناوین ذکر شده به صورت ترکیب با عنوان دیگری مانند «جنسیت» ذکر می‌شد، تا حد زیادی منعکس‌کننده محتوای مطالب بود. برای فصل آخر این کتاب نیز، عنوان

«نهادهای دیگر» انتخاب شده است که این عنوان یک عنوان انتزاعی و غیرحقیقی است که منعکس‌کننده مطالب ارائه‌شده در این فصل نیست. به دلیل این که ذیل این عنوان نهادهای دیگری غیر از نهادهایی که نویسنده ذکر کرده است نیز می‌توان بحث کرد.

۲.۴.۴ ارزیابی اهداف رفتاری

اهداف رفتاری هر درس باید با ویژگی «تناسب با اهداف جزئی»، «تأکید بر رفتار موردانتظار از یادگیرنده»، «اختصاص هر هدف به یک رفتار»، «ساده، کوتاه، و روشن»، «قابل‌دست‌رسی»، «هماهنگی با اصول یادگیری»، «قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری»، «استقلال هدف»، «در نظر گرفتن سطوح یادگیری شناختی، مهارتی، و نگرشی»، «تأیید و تقویت اهداف»، «بیان اهداف با فعل مضارع سوم شخص مفرد»، و «هماهنگی با سطح کتاب» تنظیم شوند (برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به حبیبی ۱۳۹۰: ۹۰؛ بلوم و دیگران ۱۳۷۴: ۱۴-۱۰۰؛ شعبانی ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۷۸). در ابتدای کلیه اهداف رفتاری دروس این کتاب عبارت «آشنایی فراگیران با» ذکر شده است که از نوع هدف رفتاری نیست. علاوه بر این، هیچ‌کدام از اهداف دروس کتاب به صورت جمله ذکر نشده است و به همین دلیل ویژگی‌هایی هم‌چون «تأکید بر رفتار موردانتظار از یادگیرنده»، «قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری»، و «تأیید و تقویت اهداف» در آن‌ها مشخص و قابل‌ارزیابی نیست، هم‌چنین تقریباً در تمامی اهداف رفتاری استقلال اهداف حفظ نشده است و همه اهداف به صورت عبارت‌های طولانی نوشته شده است که گاهی به سه خط نیز می‌رسد.

علاوه بر اشکالات کلی ذکر شده، هدف رفتاری دروس چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم، و سیزدهم ناظر به قدرت تحلیل و انتقاد است که با سطح کتاب که برای مرحله شناخت نوشته شده است تناسب ندارد. اهداف درس اول، دوم، سوم، ششم، دهم، یازدهم، و سیزدهم به صورت بسیار کلی و اجمالی ذکر شده است و این کلیت و اجمال به عدم وضوح و شفافیت منجر شده است. اهداف درس چهارم، پنجم، ششم، هفتم، و هشتم نیز به دلیل به‌کارگیری عبارات نامأنوس مانند ابعاد جنسیتی و جنبه‌های نهادی ابهام دارد و وضوح ندارد.

۳.۴.۴ ارزیابی توزیع محتوا در دروس

از معیارهایی که رعایت آن در کتاب درسی لازم است این که مطالب به‌نحو متناسب در دروس توزیع شده باشد. در این کتاب، محتوایی که در دروس توزیع شده‌اند بین ده تا

پانزده صفحه است؛ یعنی هر درس حداقل مشتمل بر ده صفحه و حداکثر پانزده صفحه است. به جز دروس دوم و سیزدهم که تقریباً بیست صفحه را به خود اختصاص داده‌اند. باتوجه به این‌که نویسنده در درس دوم، تحت عنوان «مبانی پارادایمی جامعه‌شناسی جنسیت»، درصدد بیان مبانی کلی است که شالوده مباحث کتاب را تشکیل می‌دهد، به نظر می‌رسد اختصاص دادن این تعداد صفحات به این درس نقصی از جهت توزین نامناسب محسوب نمی‌شود. در درس سیزدهم نیز، نویسنده به بررسی سه نهاد مختلف پرداخته است و بدین علت حجم مطالب از دروس دیگر بیش‌تر شده است.

۴.۴.۴ ارزیابی پیش‌سازمان‌ده‌ها

برای تمامی فصول این کتاب مقدمه‌ای ذکر شده است که می‌تواند حکم پیش‌سازمان‌ده را داشته باشد. یک پیش‌سازمان‌ده استاندارد، علاوه بر ویژگی‌های صوری، باید توانایی ارتباط درس فعلی با درس قبل را داشته و نقطه شروع پیش‌سازمان‌ده باید از نزدیک‌ترین اطلاعات باشد. هم‌چنین دورنمایی اجمالی و درعین حال ساختارمند از درس فعلی ارائه کند. نکته دیگری که توجه به آن در پیش‌سازمان‌ده ضروری است بعد انگیزشی آن است که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در پیش‌سازمان‌ده، نویسنده باید بتواند توجه مخاطب را به شیوه‌های مختلف برای یادگیری درس جلب کند و وی را برای ارتباط برقرار کردن با درس آماده کند (برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به فتحی و اجارگاه ۱۳۵۹: ۲۳۵-۲۴۰؛ پاکپور ۱۳۹۰: ۴۹۱؛ تقی‌پور ۱۳۹۰: ۱۶۸-۱۷۸).

تقریباً در اکثر پیش‌سازمان‌ده‌ها، وضوح و روشنی، سادگی و روان‌بودن، و طولانی‌نبودن مطالب رعایت شده است. هم‌چنین در تمامی پیش‌سازمان‌ده‌ها دورنمایی از مباحثی که قرار است در درس مطرح شود ذکر شده است. اما از جهت این‌که در پیش‌سازمان‌ده باید این درس با دانش پیشین و اطلاعات قبلی ارتباط برقرار کند چندان موفق نبوده است. از آنجایی که دانش جامعه‌شناسی جنسیت از دانش‌هایی است که ارتباط عناوین موجود در این علم از نوع قیاسی و تحلیلی نیست و از نظر منطقی هیچ ترتیب علی و معلولی بین عناوین آن وجود ندارد، برای ایجاد ارتباط باید از دانش پیشین و تجربیات قبلی خود فراگیر استفاده کند تا بتواند مباحث درس را با آن‌ها پیوند بزند، درحالی‌که این کار در اکثر پیش‌سازمان‌ده‌ها صورت نگرفته است و نویسنده از همان ابتدا فضایی نامأنوس را به‌تصویر کشیده که امکان برقراری ارتباط فراگیر با آن فضا دشوار است.

نویسنده از لحاظ انگیزشی و جلب توجه مخاطب به مباحث موفق عمل نکرده است. با توجه به اهمیت محوری بُعد انگیزشی پیش‌سازمان‌ده، شایسته بود که نویسنده در پیش‌سازمان‌ده هر درس، به تناسب موضوع مورد بحث، نمونه‌ای از منازعات فمینیستی تأثیرگذار در مباحث را ذکر می‌کرد یا از شیوه‌های مختلف دیگر برای ایجاد انگیزه و جلب توجه مخاطب به مباحث درس بهره می‌گرفت. البته در سه درس، نویسنده تا حدود زیادی در این جنبه موفق بوده است. پیش‌سازمان فصل نهم تحت عنوان آموزش و پرورش، فصل دهم با عنوان اقتصاد، و فصل یازدهم با عنوان سیاست از جمله پیش‌سازمان‌هایی است که به لحاظ بعد انگیزشی موفق عمل کرده است و نویسنده در هر سه بحث با بیان منازعات فمینیستی و تلاش‌های آن‌ها در تحقق برابری در این عرصه‌ها تلاش کرده است اهمیت و جایگاه مباحث را به مخاطب نشان دهد و در وی درقبال یادگیری مباحث ایجاد انگیزه کند.

۵.۴.۴ ارزیابی ساختار دروس

این کتاب به سیزده فصل تقسیم شده است، در حالی که مبنای تقسیم‌بندی کتاب درسی باید درس باشد و نه فصل. صرف نظر از این اشکال، تعداد دروس به لحاظ استاندارد رعایت شده است. اگر با تسامح اهداف آموزشی ذکر شده را همان اهداف رفتاری در نظر بگیریم، در هر درس بعد از عنوان درس اهداف رفتاری آمده است و در همه دروس بعد از اهداف رفتاری مقدمه‌ای بیان شده است که البته ویژگی‌ها و استانداردهای پیش‌سازمان را ندارد، اما تقریباً پیش‌درآمد خوبی برای ورود به مباحث است. بعد از مقدمه نیز، وارد اصل متن درس شده است و پس از متن اصلی درس خلاصه مطالب بیان شده و در نهایت نیز در انتهای همه دروس پرسش‌هایی به عنوان تمرین ذکر شده است. که داشتن خلاصه و تمرین مزیت محسوب می‌شود، اما گفتنی است که کلیه دروس این کتاب فاقد منابعی برای مطالعه بیشتر است که این فقدان نقص مهمی محسوب می‌شود. با توجه به گستردگی مباحثی که در این زمینه وجود ندارد و حجم بسیار بالای مطالبی که در این کتاب ذکر شده است، لازم بود که نویسنده محترم مقداری از حجم مطالب در کتاب را کم کنند و منابعی را برای مطالعه بیشتر برای تکمیل اطلاعات فراگیر معرفی کنند. در این قسمت، انتقاداتی را بیان می‌کنیم که بر ساختار دروس وارد است:

همان‌گونه که ذکر شد، با توجه به این که جامعه‌شناسی جنسیت از جمله دانش‌های تحلیلی و قیاسی نیست، بین عناوین درس‌ها ارتباط و ترتیب علی و معلولی وجود ندارد، اما در محتوای هر درس باید ارتباط ساختاری بین عناوین و مفاهیمی که در آن درس مطرح

می‌شود وجود داشته باشد و منطق مناسبی بر ساختار آن درس حاکم باشد. باتوجه‌به آن‌چه گفته شد، درس اول این کتاب با عنوان «مروری بر نظریه‌های جامعه‌شناسی جنسیت» ساختار مناسبی ندارد. بنا بود در این درس نویسنده، ذیل نظریه‌های جامعه‌شناسی جنسیت، نظریه‌های کلاسیک را مطرح کند، درحالی‌که نمی‌توان نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک در مورد تفاوت‌های زنان و مردان را به‌عنوان نظریه‌های جامعه‌شناسی جنسیت تلقی کرد؛ زیرا اساساً جامعه‌شناسی جنسیت دانشی کاملاً متأخر است و در واقع به‌نوعی در اعتراض فمینیست‌ها به جامعه‌شناسی کلاسیک متولد شده است. پس از نظریه‌های کلاسیک، نویسنده به نظریه‌های عامی که حوزه جنسیت یکی از کاربردهای آن است اشاره کرده است و ذیل نظریه‌های عام به پنج نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه مبادله، نظریه کنش متقابل نمادین، نظریه نقش، و نظریه انتخاب عقلانی که نظریه‌های سطح خرد در جامعه‌شناسی محسوب می‌شوند اشاره کرده است، اما نویسنده هیچ توضیحی در مورد عدم ذکر نظریه‌های عام مربوط به سطح کلان را ارائه نکرده است. ضمن این‌که مشخص نیست به چه دلیلی نویسنده از بین نظریه‌های خردی که در این زمینه وجود دارد به این موارد اشاره کرده است. در نهایت، نویسنده به نظریه‌های خاص فمینیستی در این زمینه اشاره کرده است و پنج نظریه فمینیستی در این زمینه را بیان کرده است و علت صرف‌نظر از بیان گرایش‌های دیگر فمینیستی را نیز ذکر کرده است. باوجوداین، بهتر بود نویسنده نظریه فمینیسم پسامدرنیستی را به دلیل برخورداری از پیچیدگی‌های خاص خود در این مرحله ذکر نمی‌کرد؛ زیرا فهم این نظریه مستلزم پیش‌نیازها و مطالعاتی است که فراگیر در این مرحله فاقد آن‌هاست، مخصوصاً باتوجه‌به این‌که در این مرحله اولین مواجهه فراگیر با این مباحث است و دانش پیشینی در این زمینه ندارد.

درس دوم با عنوان «مبانی پارادایمی جامعه‌شناسی جنسیت» از ساختار مناسبی برخوردار است و نویسنده در پیش‌سازمان‌ده منطق حاکم بر مباحث درس را توضیح داده است، باوجوداین تیتري برای عناوین «مبانی معرفت‌شناختی»، «مبانی انسان‌شناختی»، «مبانی هستی‌شناختی»، و «مبانی ارزش‌شناختی» ذکر نشده است و همین مطلب باعث می‌شود ذهن در مواجهه اول با عناوین درس ارتباط عناوین با یک‌دیگر را متوجه نشود و به‌نوعی دچار سردرگمی شود. بنابراین، شایسته است تیترهای اصلی در عناوین دروس آورده شود و ذیل هر تیتري مباحث و عناوین مربوط به آن موردبررسی قرار گیرد.

درس سوم با عنوان «جامعه‌پذیری جنسیتی» از ساختار خوبی برخوردار است. نویسنده، پس از تأثیر تفاوت‌های جنسی در جامعه‌پذیری، نظریه‌های توصیفی جامعه‌پذیری جنسیتی

را بیان کرده و پس از آن نیز نظریه‌های هنجاری جامعه‌پذیری جنسیتی را توضیح داده است. اما به نظر می‌رسد که بهتر بود نویسنده در ابتدای درس اول تعریفی از جامعه‌پذیری و جامعه‌پذیری جنسیتی ارائه می‌داد و بعد وارد نظریه‌ها می‌شد. در توضیح نظریه‌های جامعه‌پذیری جنسیتی، نویسنده ابتدا نظریه روان‌کاوی، سپس نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه رشد شناختی، و در نهایت نظریه طرح جنسیتی را ذکر کرده است. درست است که به لحاظ منطقی هیچ تقدم و تأخیری بین این نظریه‌ها نیست و فهم هیچ کدام از نظریه‌ها مترتب بر فهم دیگری نیست، اما نظریه‌های ذکر شده نسبت به یکدیگر از تقدم و تأخر زمانی برخوردارند و برخی نظریه‌ها در انتقاد به نظریه‌های قبلی و به دلیل ناکارآمدی آن‌ها در تبیین موضوع به وجود آمده‌اند. به همین دلیل، بهتر است در ذکر این نظریه‌ها این تقدم و تأخر موردلحاظ قرار گیرد. بنابراین، ذیل نظریه‌های توصیفی جامعه‌شناسی جنسیت بهتر است در ابتدا نظریه یادگیری اجتماعی، سپس نظریه رشد شناختی، بعد از آن نظریه طرح جنسیتی، و در نهایت نظریه روان‌کاوی مطرح شود.

در درس چهارم تحت عنوان «ارزش‌های جنسی»، موضوعات عفت، غیرت، تفکیک جنسی، و حجاب موردبررسی قرار گرفته است. در این جا دقیقاً مراد نویسنده از ارزش‌های جنسی مشخص نیست و نویسنده هیچ توضیحی در مورد انتخاب این چهار موضوع به عنوان ارزش‌های جنسی ارائه نداده است. هم‌چنین، مشخص نیست به چه معیار و ملاکی تفکیک جنسی ارزش جنسی تلقی می‌شود. با صرف نظر از این نکته، در ساختار این درس فقط به ذکر عناوین اصلی اکتفا شده و عناوین فرعی ذیل عناوین اصلی ذکر نشده است.

در فصل پنجم تحت عنوان «ازدواج»، فصل هفتم تحت عنوان «کارکردهای خانواده»، فصل هشتم تحت عنوان «دین»، فصل نهم تحت عنوان «آموزش و پرورش»، فصل یازدهم تحت عنوان «سیاست»، و فصل دوازدهم تحت عنوان «قانون» تنها به ذکر عناوین اصلی اکتفا شده و نویسنده عناوین فرعی ذیل عناوین اصلی را ذکر نکرده است و این عدم ذکر عناوین فرعی موجب به هم خوردن انسجام مباحث و پراکندگی مطالب شده است.

کلیت فصل ششم با عنوان «ساختار خانواده» خوب است و نویسنده دو عنوان کلی تقسیم کار در خانواده و مدیریت خانواده را ذکر کرده و عناوین فرعی ذیل این دو عنوان اصلی را نیز ذکر کرده است و به لحاظ منطقی ترتیب مباحث و عناوین رعایت شده است.

در فصل دهم با عنوان «اقتصاد» نیز عناوین اصلی ذکر شده‌اند، اما عناوین فرعی که ذیل عناوین اصلی ذکر شده‌اند دقت لازم را ندارند و متناسب با مطالب مطرح شده در متن درس نیستند. در درس به مباحثی مانند عوامل افزایش اشتغال زنان و تمایزهای جنسیتی در

اشتغال اشاره شده است که بهتر بود برای این مطالب تیترو عنوان ذکر می‌شد و مباحث ذیل آن عناوین آورده می‌شد.

در فصل سیزدهم نیز که به بررسی چندین نهاد پرداخته شده فقط عناوین اصلی ذکر شده است و عناوین فرعی ذیل عناوین اصلی آورده نشده است. فقط در مورد نهاد سلامت عناوین فرعی ذیل آن آورده شده است.

۶.۴.۴ ارزیابی محتوای دروس

محتوای کلیه دروس این کتاب از تازگی و اتقان محتوایی برخوردار است و مطابق با مبانی و ارزش‌های اسلامی است. هم‌چنین، آشنایی با نظریات فمینیستی، نقد آن‌ها، و تبیین دیدگاه اسلام در مورد پدیده‌ها و موضوعات مختلف اجتماعی که افراد در واقعیت زندگی روزمره خویش با آن‌ها مواجهند، از مهم‌ترین مزیت‌ها و نتایج عملی این اثر به‌شمار می‌رود که حاکی از تناسب اثر با مقتضیات و نیازهای روز جامعه امروزی است. با وجود این، کاستی‌هایی به‌لحاظ محتوایی وجود دارد که در این قسمت به آن‌ها اشاره می‌شود.

در نگارش این کتاب حدوداً از ۲۳۱ منبع استفاده شده است که در بین این منابع ۱۰۵ منبع انگلیسی و نه پایگاه اینترنتی نیز وجود دارد. نویسنده در بخش منابع غیرانگلیسی از طیف وسیعی از منابع لغوی، تفسیری، روایی، و فقهی بهره گرفته است و حتی الامکان از منابع جدید نیز برای فصولی استفاده کرده است که مراجعه به منابع جدید برای تبیین دیدگاه فمینیست‌ها نیاز است. بنابراین می‌توان گفت، به‌لحاظ تعداد منابع، کتاب به‌قدر کفایت از منابع متعدد استفاده کرده است، اما در برخی فصول دقت کافی در استنادات و ارجاعات صورت نگرفته است و به منابع دست‌اول و اصلی ارجاع داده نشده است. برای مثال، در بخش منابع روایی، در برخی موارد نویسنده به کتب و منابع حدیثی دست‌اول استناد نکرده است و از بین کتب معتبر دست‌اول حدیثی تنها موارد معدودی به اصول کافی ارجاع داده است و بیش‌تر از منابع و کتب حدیثی مانند بحار الانوار، وسائل الشیعه، و مستدرک الوسائل استفاده کرده است که از منابع دست‌اول حدیثی به‌شمار نمی‌روند.

در بخش منابع انگلیسی نیز در اغلب موارد به منابع دست‌اول مراجعه نشده است. این اشکال در فصل اول کتاب با عنوان «مروری بر نظریه‌های جامعه‌شناسی جنسیت» بیش‌تر به چشم می‌خورد. نویسنده در این فصل نظریه‌هایی از صاحب‌نظرانی هم‌چون دورکیم، انگلس، ماکس وبر، و پارسونز نقل کرده است، اما در هیچ‌کدام از موارد به منبع اصلی نویسنده استناد نکرده است. برای نمونه، در صفحه ۷ فصل اول، نویسنده به نقل از کتاب

تقسیم کار/اجتماعی دورکیم، مطلبی را بیان می‌کند، اما به کتابی استناد می‌کند که به‌نقل از کتاب دورکیم مطلب را بیان کرده است.

در مورد استناد به آمارها در موارد مختلف به منابع معتبر مراجعه نشده است و آمارهای ارائه‌شده در برخی موضوعات طبق جدیدترین آمار نیست و گاهی نیز در برخی موارد نویسنده به جای مراجعه به منبع خبر، به‌نقل از کتاب دیگری که به آن آمار استناد کرده است، آمار را ذکر کرده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به بستان ۱۳۹۴: ۱۴۰).

۷.۴.۴ ارزیابی خلاصهٔ دروس

در پایان تمامی دروس کتاب، خلاصهٔ درس تحت عنوان «چکیده» آمده است. خلاصه در کتاب درسی باید دارای ویژگی «اکتفاکردن به ذکر مطالب مهم و اصلی»، «بیان فشرده و حتی الامکان به عین عبارات متن»، «حفظ ترتیب منطقی مطالب (هم‌سویی با اهداف و متن)»، و «ذکر خلاصه در کادری مجزا» باشد (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به آرموریسون و دیگران ۱۳۸۷: ۳۳۴-۳۴۵؛ مرادی ۱۳۹۶: ۶۹). تمامی خلاصه‌های این کتاب با عنوانی جداگانه از سایر مطالب ذکر شده است و مطالب خلاصه نیز به‌صورت تفکیک‌شده و مجزا از هم بیان شده است که این مزیت کتاب محسوب می‌شود. در برخی دروس، بندهای خلاصه به‌صورت عین عبارات کتاب آورده شده و در برخی دیگر از دروس مطالب به‌صورت فشرده و با عباراتی متفاوت از متن کتاب آورده شده است و در بیش‌تر موارد نویسنده از عبارات طولانی استفاده کرده است.

در مورد هم‌سویی خلاصه با اهداف نیز در برخی موارد تطابق وجود ندارد. به‌عنوان نمونه، در درس چهارم، در اهداف رفتاری نقاط قوت و ضعف نظریه‌ها به‌عنوان هدف رفتاری ذکر شده است، درحالی‌که این نقاط قوت و ضعف در خلاصه ذکر نشده است. یا مثلاً در درس ششم، یکی از اهداف رفتاری درس توانایی فهم و درک رویکرد اسلام از موضوعات مطرح‌شده معرفی شده است، اما در خلاصه تنها در مورد کارکرد تأمین نیازهای عاطفی نظر اسلام ذکر شده است و در مورد بقیهٔ موضوعات به دیدگاه اسلام اشاره‌ای نشده است. درس هشتم، نهم، دهم، یازدهم، و دوازدهم نیز از جملهٔ دروسی است که در برخی بندهای خلاصه به نظر اسلام اشاره‌ای نشده است.

۸.۴.۴ ارزیابی فعالیت‌های تکمیلی

در این کتاب، در همهٔ دروس، پس از چکیدهٔ پرسش‌هایی تحت عنوان «خودآزمایی» آمده است که از این جهت به‌عنوان مزیت این کتاب محسوب می‌شود، اما اولین و مهم‌ترین

مسئله قابل توجه در طراحی سؤالات و تمرینات کتاب درسی این است که این پرسش‌ها و تمرین‌ها باید به‌عنوان فعالیت تکمیلی و مکمل یادگیری مطالبی که در متن درس ارائه شده است در نظر گرفته شود و به‌عنوان ارزش‌یابی در نظر گرفته نشود و به‌گونه‌ای طراحی شود که ادامه و تکمیل مباحثی باشد که در متن درس آمده است (سیف ۱۳۸۶: ۹۳۲-۹۵۱). به‌نظر می‌رسد این ویژگی به‌صورت کلی در همه پرسش‌های این کتاب رعایت نشده است و سؤالات صرفاً برای آشنایی فراگیران با نحوه طرح سؤال در آزمون طراحی شده است.

گذشته از مطالبی که ذکر شد، «تنوع تمرینات»، «جامعیت نسبت به سطوح مختلف مهارت‌های شناختی»، «وضوح»، «استقلال تمرین»، و «هماهنگی با اهداف» مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که رعایت آن در تمرین‌ها لازم است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به سیف ۱۳۸۶: ۱۵۹-۲۳۹؛ پاکپور ۱۳۹۰: ۶۹-۲۶۲؛ فتحی و اجارگاه ۱۳۹۵: ۲۷۰). از مجموع ۶۸ سؤال، دوازده سؤال ابهام دارد و وضوح ندارد و این وضوح‌نداشتن گاهی ناشی از به‌کاربردن عبارت‌های کلی مانند تقسیم‌بندی کلی، تبیین‌های جامعه‌شناختی، نظریه‌های جامعه‌شناختی، و گاهی نیز به‌دلیل عدم استفاده از افعال رفتاری و استفاده از عباراتی نظیر «چرا»، «چه»، و «چيست» است. هم‌چنین، در دوازده سؤال از مجموع سؤالاتی که در کتاب ذکر شده است ویژگی استقلال سؤال رعایت نشده و دو سؤال و گاهی بیش از دو سؤال در یک سؤال ذکر شده است. درمورد تناسب با سطح کتاب نیز درمجموع، سؤالات فصول اول، دوم، سوم، ششم، هشتم، نهم، یازدهم، و سیزدهم فراتر از سطح شناخت نیست، اما برخی سؤالات در فصول چهارم، پنجم، هفتم، دهم، و دوازدهم فراتر از مرحله شناخت است. در این سؤالات از فراگیر داوری کردن، نقد و ارزیابی، و مقایسه کردن دیدگاه‌ها خواسته شده و در متن درس نیز اشاره‌ای به این نقد و مقایسه و داوری نشده است، درحالی‌که این فعالیت مربوط به مهارت‌های شناختی تجزیه و تحلیل و نقد است که از سطح مرحله درک و فهم فراتر است و در این مرحله موردانتظار نیست.

گفتنی است، با توجه به این‌که در این کتاب در هر درس تنها یک هدف رفتاری بسیار کلی ذکر شده است، امکان سنجش ویژگی «هماهنگی با اهداف» به‌صورت دقیق وجود ندارد، اما درمجموع سؤالات فصول اول، دوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم، و سیزدهم هماهنگ با اهداف رفتاری است که برای این فصول در نظر گرفته شده است و سؤالات درمجموع همه اهداف رفتاری موردنظر را پوشش می‌دهد، اما در فصول سوم و دوازدهم سؤالات هماهنگ با اهداف رفتاری نیست و همه اهداف رفتاری موردنظر را پوشش نمی‌دهد. برای نمونه، در فصل سوم در اهداف رفتاری شناخت فراگیر از

نظریه‌های جامعه‌پذیری مطلوب بوده و در متن کتاب به چهار نظریه و نقد آن‌ها اشاره شده، در حالی که در پرسش‌ها به ذکر سه نظریه و نقد آن‌ها اکتفا شده است. در فصل دوازدهم نیز در اهداف رفتاری، موضوعاتی مانند سن بلوغ قانونی و دیه زن و مرد نیز مدنظر بوده که در سؤالات به آن‌ها اشاره‌ای نشده است.

در مورد ویژگی «جامعیت سؤالات نسبت به سطوح مختلف مهارت‌های شناختی» نیز می‌توان گفت تقریباً تمامی سؤالات این کتاب برای تقویت حافظه و درک و فهم است و در مواردی هم که سؤالاتی ناظر به مهارت‌های شناختی طراحی شده است مربوط به مهارت‌های شناختی تجزیه و تحلیل و نقد است که از مرحله درک و فهم بالاتر است و متناسب با سطح کتاب نیست. در نهایت، در طراحی سؤالات تنوع رعایت نشده و همه سؤالات از سنخ سؤال تشریحی بازپاسخ است که البته با مرحله درک و فهم تناسب بیشتری دارد. با توجه به این که فراگیر درباره موضوع این کتاب دانش پیشینی ندارد و در این کتاب با برخی اصطلاحات جدید آشنا می‌شود، بهتر بود از انواع سؤالات دیگر مثل سؤالات چندگزینه‌ای، صحیح و غلط، و جورکردنی نیز استفاده می‌شد.

۵. نقد روش شناختی کتاب

همان‌گونه که نویسنده در پیش‌گفتار کتاب اشاره کرده است، هدف از نگارش این کتاب تحقق اندیشه علم دینی بوده است. بنابراین، نویسنده به دنبال اثبات ادعای خود در مورد علم دینی است و چنین مباحث کتاب نیز بر همین اساس صورت گرفته است، در حالی که در کتاب درسی مؤلف نباید به دنبال اثبات ایده خود در زمینه خاصی باشد. مخصوصاً که در زمینه امکان یا امتناع علم دینی اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. در این کتاب، نویسنده بدون این که مخاطب را با فضای موجود و جغرافیای دانش جامعه‌شناسی جنسیت آشنا کند و تصویری روشن از بحث ارائه دهد، در فضایی مبهم و نامشخص به دنبال اثبات ایده و نظریه خود در زمینه علم دینی است. این در حالی است که اولین مواجهه دانشجویان کارشناسی ارشد و طلاب سطح سه رشته مطالعات زنان با این دانش است. بنابراین، ارائه تصویر و فضای روشن از این دانش و موضوعات و مسائل آن ضروری می‌نماید. با توجه به این که اساساً ساختار کتاب درسی نمونه و مدلی از ساختار دانش در سطح کلان است، آنچه در کتاب درسی منعکس می‌شود باید منطبق با ساختار کلی علم مربوط باشد. این کتاب نیز باید انعکاسی فشرده از مباحثی باشد که در دانش «جامعه‌شناسی جنسیت»

مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، باید بین عناوین اصلی که در این کتاب وجود دارد ارتباط منطقی وجود داشته باشد و نسبت آن‌ها با دانش مورد نظر مشخص باشد و منطق آن دانش بر عناوین حاکم باشد. باتوجه به این که موضوع کتاب از دانش‌هایی است که ارتباط عناوین آن‌ها با یک‌دیگر از نوع قیاسی و تحلیلی نیست، نیازی به وجود ارتباط منطقی بین خود عناوین وجود ندارد، اما منطقی کلی حاکم بر دانش باید بر کتاب درسی نیز حاکم باشد که در این کتاب این منطق به صورت کامل رعایت نشده است. فصل اول کتاب، تحت عنوان «مروری بر نظریه‌های جامعه‌شناسی جنسیت»، به نظر می‌رسد به عنوان فصل اول کتاب موضوع مناسبی است و مباحث مربوط به این موضوع نقش بسیار محوری در آشنایی مخاطب با دانش جامعه‌شناسی جنسیت دارد، اما نویسنده، برخلاف انتظار، تصویر روشنی از این دانش و علت شکل‌گیری آن ارائه نداده است و تقسیم‌بندی دقیق و جامعی را از نظریات موجود در این زمینه ارائه نداده است. در فصل دوم نیز که مبنای پارادایمی جامعه‌شناسی جنسیت مورد بررسی قرار گرفته است، باتوجه به آن چه گفته شد، با منطق حاکم بر کتاب درسی سازگاری ندارد و به نظر می‌رسد در صورتی که نویسنده فارغ از نظر شخصی خود در مورد علم دینی مباحث را ارائه می‌کرد مناسب‌تر بود. فصل سوم نیز با عنوان «جامعه‌پذیری جنسیتی» از مباحث مهم در جامعه‌شناسی جنسیت است که نویسنده به آن پرداخته است، اما فصل چهارم تحت عنوان «ارزش‌های جنسی» بحثی است که ارتباطی به جامعه‌شناسی جنسیت به عنوان یک دانش ندارد و به نظر می‌رسد طرح این موضوع در دانش اخلاق مناسب‌تر است. عناوین ازدواج، ساختار خانواده، و کارکردهای خانواده نیز که فصول پنجم، ششم، و هفتم کتاب را به خود اختصاص داده‌اند، جزو موضوعاتی نیست که در دانش جامعه‌شناسی جنسیت مورد بررسی قرار گیرد و اساساً دانش جامعه‌شناسی خانواده عهده‌دار بررسی چنین موضوعاتی است. نگاهی به فهرست کتاب‌های دکتر باقر ساروخانی، *جامعه‌شناسی زنان و خانواده* دکتر محمدتقی شیخی، و *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده* مارتین سگالن، ترجمه حمید الیاسی، مؤید این مطلب است که مباحثی مانند ازدواج و خانواده در دانش جامعه‌شناسی خانواده مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و از طرفی نگاهی به فهرست کتاب‌هایی که در زمینه جامعه‌شناسی جنسیت نوشته شده گویای آن است که مباحثی از این قبیل در دانش جامعه‌شناسی جنسیت مطرح نمی‌شوند (see Chafetz 2006).

نهاد دین، آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست، قانون که در فصول دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، کاملاً با بحث جامعه‌شناسی جنسیت مرتبط‌اند و انتخاب این عناوین برای این کتاب کاملاً مناسب و به‌جا بوده است. نهادهای سلامت، فراغت و تفریح، ورزش، ارتباط رسانه‌ای، و جنگ نیز، که در فصل آخر مطرح شده‌اند، موضوعات جدید و مهمی‌اند که در جامعه‌شناسی جنسیت مطرح می‌شود و از این جهت مشکلی متوجه طرح این عناوین در کتاب درسی نیست، اما توجه به این نکته لازم است که اختصاص دادن یک فصل به پنج نهاد در یک کتاب درسی مناسب نیست و با منطق حاکم بر کتاب درسی که هر واحد درسی باید به یک موضوع خاص اختصاص داشته باشد، سازگار نیست.

۶. نتیجه‌گیری

جامعه‌شناسی جنسیت شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که به تبیین و تحلیل تمایزها و نابرابری‌های اجتماعی میان زن و مرد می‌پردازد. این دانش در نتیجه اعتراض فمینیست‌ها به جامعه‌شناسی رایج شکل گرفت. بر این اساس، جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی دانشی متفاوت و بدیع است که به دنبال تبیین دیدگاه اسلام در تبیین نابرابری‌های اجتماعی است. بر این اساس، کتاب مورد بررسی به لحاظ تفاوت مبنایی با کتاب‌های دیگری که در این زمینه نوشته شده و به لحاظ آموزشی بودن اثری ارزنده و شایسته توجه است. اما با بررسی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته در این نقد، مشخص شد که اثر یادشده به لحاظ قوت علمی، اتقان محتوایی، تناسب با نیازهای روز جامعه، اهمیت مسائل مورد تحلیل، و از همه مهم‌تر هماهنگی با مبانی و رویکردهای اسلامی کتابی مطلوب و شایسته تقدیر است، اما با توجه به آموزشی بودن این کتاب، به دلیل ناهماهنگی با استانداردهای کتاب درسی از جمله انتخاب نوع مطالب و چینش مطالب در ساختار کتاب و دروس اشکالات قابل توجهی دارد. علاوه بر این، با توجه به آموزشی بودن کتاب، بهتر بود کتاب به گونه‌ای نوشته می‌شد که برای مخاطب فهم کامل و جامعی از مسائلی صورت گیرد که در جامعه‌شناسی جنسیت وجود دارد و در عین حال درباره تحلیل‌های فمینیستی نقادی صورت گیرد، در حالی که نویسنده از ابتدا بدون آشنا کردن مخاطبان با جغرافیای این دانش مسائل را از رویکرد اسلامی تبیین و تحلیل کرده است. بنابراین، برای بهبود کیفیت این کتاب پیش‌نهاد می‌شود که صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی و هم‌چنین متخصصان دانش جامعه‌شناسی جنسیت به نقد و ارزیابی این کتاب

بپردازند و طرحی را برای این کتاب درسی پیش‌نهاد دهند که درعین‌دارا بودن مؤلفه‌های کتاب درسی و حفظ ساختار دانش جامعه‌شناسی جنسیت دیدگاه و رویکرد اسلام نیز درقبال این موضوعات تبیین شود.

کتاب‌نامه

- آبوت، پاملا و کلر والاس (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۶)، *جامعه‌شناسی خانواده ایرانی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- آصف‌زاده، سعید (۱۳۸۴)، «تحلیل انتقادی مطالعات پژوهشی در علوم پزشکی»، *پزشکی در پزشکی*، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهید بهشتی، ش ۲۹.
- احمدنیا، شیرین (۱۳۹۶)، «نقد کتاب جنسیت، جامعه، و جامعه‌شناسی سعیده گروسی»، فصل‌نامه نقد کتاب علوم اجتماعی، س ۴، ش ۱۳.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۲)، *نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۸)، *اسلام و تفاوت‌های جنسیتی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۰)، *خانواده در اسلام*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۲)، *نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۴)، *جامعه‌شناسی جنسیت با رویکردی اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مرکز مدیریت حوزه‌های علمی خاوران.
- بلوم، بنجامین اس. و دیگران (۱۳۷۴)، *طبقه‌بندی هدف‌های پرورشی (حوزه شناختی)*، ترجمه علی‌اکبر سیف و خدیجه علی‌آبادی، تهران: رشد.
- پارسا، محمد (۱۳۷۲)، *روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها*، تهران: بعثت.
- پاکپور، یونس (۱۳۹۰)، *زمینه تکنولوژی آموزشی*، تهران: دیدار.
- تقی‌پور، علی (۱۳۹۰)، *برنامه‌ریزی آموزشی*، تهران: آگه.
- جعفرپور، رشید (۱۳۸۸)، «معرفی و نقد کتاب جامعه‌شناسی جنسیت خدیجه سفیری و سارا ایمانیان»، کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۲۱.
- حبیبی، رضا (۱۳۹۰)، *برنامه‌ریزی درسی*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمی قم.

- حسن مرادی، نرگس (۱۳۹۶)، *طراحی آموزش اثربخش*، چاپ پنجم، تهران: شر آبیژ.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، تهران: سروش.
- سفیری، خدیجه و سارا ایمانیان (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، تهران: جامعه‌شناسان.
- سگالن، مارتین (۱۳۷۰)، *جامعه‌شناسی تاریخی خانواده*، ترجمه حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی پرورشی*، تهران: آگاه.
- سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، *اندازه‌گیری، سنجش، و ارزش‌یابی آموزشی*، تهران: دوران.
- شادمانی، هاجر (۱۳۸۹)، «معرفی و نقد کتاب *جامعه‌شناسی جنسیت استغنی گرت*»، *کتاب ماه علوم اجتماعی*، ش ۲۶.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۵)، *مهارت‌های آموزش و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)*، تهران: سمت.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی زنان و خانواده*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- فتحی و اجارگاه، کوروش (۱۳۹۵)، *اصول برنامه و مفاهیم اساسی برنامه درسی*، تهران: نشر نی.
- گرت، استغنی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتابیون بقایی، تهران: دیگر.
- گروسی، سعیده (۱۳۹۵)، *جنسیت، جامعه، و جامعه‌شناسی*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، *از جنس تا نظریه، تاریخ دو قرن فمینیسم*، تهران: شیرازه.
- موریسون، گری آر، استیون ام. روس، و جerald کمپ (۱۳۸۷)، *طراحی آموزش اثربخش*، ترجمه غلامحسین رحیمی دوست، اهواز: دانشگاه شهید چمران.
- میشل، آندر (۱۳۵۴)، *جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج*، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- نوریان، محمد (۱۳۹۳)، *چگونگی طرح هویت ملی در کتاب تعلیمات اجتماعی ششم دبستان و سوم راهنمایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.